

## تبیین ژئوپلیتیکی روابط طوایف در حوزه انتخابیه ممسنی

دکتر مراد کاویانی‌راد - دانشیار جغرافیای سیاسی، دانشکده علوم جغرافیایی، دانشگاه خوارزمی، تهران، ایران.

وحید صادقی - دانشجوی دکتری جغرافیای سیاسی دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران.

سید محمد حسین حسینی - دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۰۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۲/۲۵

### چکیده

فضای جغرافیایی به ذات قدرت آفرین است و کوشش کنشگران و بازیگران سیاسی معطوف به حضور در فضا است. انتخابات یکی از ابزارهای فضا سازی و قلمرو گستری بازیگران سیاسی است. حوزه انتخابیه مجلس شورای اسلامی در ایران یکی از نمودهای فضا سازی و فضا گستری نامزدها و جریان‌های مؤثر در فرایند انتخابات است. در این میان، در آن دست استان‌هایی که هنوز بافت و ساخت طایفه‌ای دارند، طایفه هنوز کارکرد سنتی خود را حفظ و باز تولید می‌کند. حوزه انتخابیه ممسنی در استان فارس از جمله قلمروهایی است که ساختار فضایی طایفه نقش جدی در روند تحولات و هم‌آوردی‌های انتخاباتی دارد. از این رو، فهم روابط طوایف این حوزه با یکدیگر در کارزار انتخاباتی مستلزم شناسایی الگوی مناسبات قدرت میان آنهاست. پژوهش کنونی که ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد بر این فرضیه استوار است که الگوی مناسبات قدرت طوایف در حوزه انتخابیه ممسنی (انتخابات مجلس شورای اسلامی) در قالب طیف ساختار روابط ژئوپلیتیک متنوع و متفاوت است. درون‌داده‌ای (نوشتار و داده‌ها) مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی (مشاهده) گردآوری شده است. برآیند مطالعات صورت گرفته نشان داد، با توجه به ساخت طایفه‌ای حاکم بر حوزه انتخابیه ممسنی در زمان انتخابات، رقابت‌هایی با ماهیت ژئوپلیتیک بین طوایف موجود در فضای جغرافیایی ممسنی برای کسب قدرت سیاسی (گرسنی مجلس) شکل می‌گیرد. نوع و الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف متنوع و انواع «تعاملی»، «رقابتی»، «نفوذ» و «سلطه» را در بر می‌گیرد. تا جایی که گاه این نوع هم‌آوردی‌ها به تنش‌های بین طایفه‌ای در فضای جغرافیایی ممسنی می‌انجامد.

واژه‌های کلیدی: جغرافیای انتخابات، الگوی روابط ژئوپلیتیک، طایفه‌گرایی و حوزه انتخابیه ممسنی.

## ۱. مقدمه

انتخابات و مشارکت سیاسی از آن دست مفاهیم و رخدادهایی است که ابعاد و زوایای مختلفی دارد و هر یک از این ابعاد در کانون پژوهشی یکی از علوم اجتماعی قرار می‌گیرد. در این میان، حوزه انتخابیه، هم‌آوردی‌های مکانی، ادراک محیطی جریان‌های فضا‌ساز، وزن ژئوپلیتیک حوزه‌های انتخابیه و غیره در کانون جغرافیای انتخابات به عنوان یکی از گرایش‌های جغرافیای سیاسی است. طی دو دهه گذشته ادبیات جغرافیای انتخابات در حوضه نظری و کاربردی با توجه به تحولات دموکراتیک در مقیاس جهانی و کشورمان روند رو گسترشی داشته است. یافته‌ها گویای آن هستند که در فرایند انتخابات به ویژه انتخابات مجلس شورای اسلامی بازیگران محلی بازتاب گسترده‌ای در نتیجه انتخابات و مناسبات قدرت در مقیاس فروملی دارند. عنصر طایفه و طایفه‌گرایی هنوز در بسیاری از حوزه‌های انتخابیه ایران به ویژه منطقه زاگرس میانی در جهت‌دهی به پایگاه رأی نامزدها نقش دارد. حوزه انتخابیه ممسنی در استان فارس از آن دست حوزه‌هایی که مناسبات سنتی قدرت طوایف شهرستان در فضای رقابتی امر سیاسی مدرن انتخابات بازتولید می‌شود. بدین معنا که طوایف و مناسبات آنها یکی از اثرگذارترین جریان‌های فضا‌ساز در حوزه انتخابیه ممسنی هستند. در این شهرستان، هر یک از طوایف به عنوان سازه‌ای فضایی - سیاسی به دنبال انسجام درونی خود و هم‌آوردی بر بنیاد قلمروهای طایفه‌ای هستند تا بتوانند نامزد موردنظر خود را راهی پارلمان کنند. بنابراین، کوشش برای جذب آراء حداکثری و دستیابی به قدرت در فرایند انتخابات مجلس زمینه مناسبات قدرت قرار گرفته است. این مناسبات در قالب ادبیات جغرافیای سیاسی یا ژئوپلیتیک بر پایه الگوهای «تعاملی»، «رقابتی»، «نفوذ» و «سلطه» قابلیت و اشکافی می‌یابد. از این رو، عمدتاً طوایفی توانایی به کارگیری این الگوها را دارند که پیشینه تاریخی دیرپا، جمعیت و قلمرو پهناور، توانایی اقتصادی، گروه‌های ذی‌نفوذ و نیروهای اجتماعی اثرگذار همراه و به عبارتی از وزن محلی و مکانی بالایی برخوردار باشند. پژوهش پیش‌رو در پی تبیین ژئوپلیتیک الگوی روابط گروه‌های طایفه‌ای در حوزه انتخابیه ممسنی است.

## ۲. روش تحقیق

تا به حال مطالعات و پژوهش‌های زیادی در مورد الگوی روابط ژئوپلیتیک بین بازیگران سیاسی در مقیاس کلان (ملی و فراملی) صورت گرفته است، اما تقلیل و تطبیق چنین الگوهایی در سطوح فروملی و محلی هنرمندی و خلاقیت لازم دارد. این مسئله به خصوص در مورد فضا‌های جغرافیایی که از تنوع قومی و طایفه‌ای خاصی برخوردار هستند، مورد توجه پژوهشگران و اندیشمندان قرار نگرفته است. بنابراین، کاربست چنین الگوهایی در خصوص گروه‌های طایفه‌ای در حوزه انتخابیه ممسنی و سرچشمه‌های تنش میان طوایف که برآمده از نوع روابط آنها با یکدیگر است، از ابتکارات جدید این مقاله محسوب می‌شود. از طرفی، بیان مفاهیم و آیتم‌های کلانی همچون رقابت، قدرت، نفوذ و سلطه در محدوده جغرافیایی در مقیاس محلی میان بازیگران سطوح خرد (اقوام و طوایف) که این قابلیت را دارد که در قالب حوزه ژئوپلیتیک سربرآورد، از دیگر نوآوری‌های این مقاله به شمار می‌رود. افزون بر این، با توجه به منافع و مزایایی که در هنگامه‌های سیاسی نظیر انتخابات مجلس شورای اسلامی بین بازیگران آشکار می‌شود و همین امر زمینه کشمکش‌ها و برخوردهای قهرآمیز و سخت بین این نوع بازیگران طایفه‌ای را فراهم می‌کند، از این رو، کشف و شناسایی چنین الگوهایی منجر به کاهش تنش، نزاع و خون‌ریزی‌های بین طایفه‌ای می‌شود. این نوع ارائه راهبرد جهت خاموش‌سازی گسل‌های طایفه‌ای از دیگر ایده‌های نو مقاله حاضر است. همچنین این مقاله ضمن تبیین دقیق الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف و انواع آن، به سنجش میزان قدرت سیاسی و نقش‌آفرینی هر یک از طوایف در چارچوب انتخابات پرداخته و ساختار روابط ژئوپلیتیک بخش‌های حوزه انتخابیه ممسنی بر مبنای الگوی «مرکز»، «نیمه‌پیرامون» و «پیرامون» را مشخص کرده است. این موضوع با عطف توجه به جامعه ممسنی کاملاً مغفول مانده است. به این ترتیب تصور می‌رود تحقیق و پژوهشی در این زمینه که در پی تبیین الگوی روابط ژئوپلیتیک گروه‌های طایفه‌ای در حوزه انتخابیه ممسنی باشد، صورت نگرفته است. بنابراین این پژوهش جدید و از خصلت نوآوری برخوردار است. روش پژوهش، ماهیتی توصیفی - تحلیلی دارد و داده‌های مورد نیاز به روش کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی (مشاهده) گردآوری شده است.

### ۳. چارچوب نظری

#### ۳-۱. جغرافیای سیاسی (ژئوپلیتیک)

هر چند از زمان طرح دانش واژه جغرافیای سیاسی از این علم تعاریف و تفاسیر مختلفی ارائه شده است اما هر تعریفی که از آن به دست داده شود ناگزیر از توجه به درهم تنیدگی مفاهیم قدرت، مناسبات قدرت، فضا و مکان است. درهم تنیدگی یاد شده در قالب طیفی از مناسبات قدرت و فراگیری مقیاس‌ها از محلی تا جهانی نمود می‌یابد. بر این اساس، جغرافیای سیاسی به عنوان زیرمجموعه جغرافیای انسانی، علمی است که ابعاد سیاسی فضای جغرافیایی را در قالب گُش متقابل مناسبات قدرت (در ابعاد همزیستی، هم‌وردی، کشمکش و جنگ) با قلمرو (فضا و سرزمین) و قلمروخواهی انسان مطالعه می‌کند. از منظر جغرافیای سیاسی، رفتار قلمرومندانه، راهبردی جغرافیایی - سیاسی برای دستیابی به اهداف ویژه‌ای مانند کنترل فضای جغرافیایی برای حفظ یا کسب قدرت یا مقاومت در برابر قدرت گروه مسلط است و از این اصل پیروی می‌کند که قلمرو، وجودی طبیعی نیست؛ برآیند تنوع فعالیت‌ها و فرایندهای اجتماعی است که در آنها، فضا و جامعه در پیوند با یکدیگر قرار می‌گیرند. بر این اساس، قلمرو، محتوایی بیش از یک ظرف فضایی دارد و بازتابی از اقتدار، قدرت و کنترل انسان به‌شمار می‌آید. بدین ترتیب، مسائل مربوط به قلمرو بُن‌مایه مسائل جغرافیایی سیاسی هستند. بر این پایه، جغرافیای سیاسی یا ژئوپلیتیک علمی است که ابعاد سیاسی فضای جغرافیایی را در قالب گُش متقابل مناسبات قدرت (در ابعاد همزیستی، هم‌وردی، تنش و کشمکش با قلمرو (فضا و سرزمین) و قلمرومندی جامعه انسانی را مطالعه می‌کند (Kavianirad, 2015: 543).

#### ۳-۲. الگوهای روابط ژئوپلیتیک

روابط ژئوپلیتیک<sup>۲</sup> گواه بر آن دست روابطی هستند که میان کنشگران در قالب واحدها، کشورها، دولت‌ها و بازیگران سیاسی بر پایه ترکیب عناصر سیاست، قدرت و جغرافیا برقرار می‌شوند. در این معادله عنصر سیاست در قالب بازیگر سیاسی یا اراده‌ای که به ماهیت رابطه شکل می‌دهد و

---

1. Political Geography  
2. Geopolitical Relations

نیز اقدامات و کنش‌هایی که توسط بازیگر انجام می‌شود پدید می‌آیند، عنصر قدرت در شکل دادن به الگو و ماهیت رابطه و نگرش بازیگران نسبت به هم تجلی می‌یابد و عنصر جغرافیا نقش بسترساز و سرچشمه قدرت را ایفا می‌کند و انگیزه‌های لازم برای شکل‌گیری اراده سیاسی رابطه، تجلی فضایی سیاسی رابطه و نیز تاثیرگذاری بر سطح قدرت بازیگر را سبب می‌شود (Hafeznia, 2017: 492). الگوهای روابط ژئوپلیتیک عبارتند از:

**الف) رابطه تعاملی؛** عبارت است از ارتباطات گوناگون و متقابل بازیگران (Nel & McGowan, 1999: 321) یا رابطه‌ای مبتنی بر برابری قدرت. در این گونه ارتباطات، طرفین از سطح به نسبتاً برابر قدرت و وزن ژئوپلیتیک برخوردارند. چنین ارتباطی خصلت اقدام متقابل و محتاطانه دارد. روابطی که بین قدرت‌های درجه یک و نیز بین قدرت‌های درجه ۲ و یا واحدهای همسایه با وزن به نسبتاً برابر ژئوپلیتیک وجود دارد از نوع روابط تعادلی افقی است.

شکل (۱): مدل مفهومی الگوی رابطه تعاملی

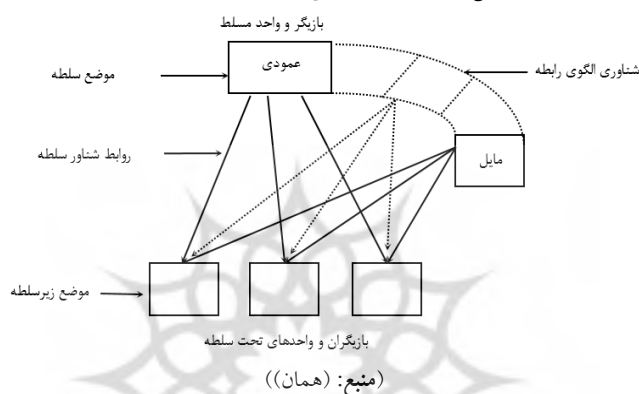


(منبع: همان))

**ب) رابطه سلطه؛** رابطه سلطه و تفوق از نابرابری قدرت بر می‌خیزد. به طوری که رابطه‌ای یک سویه و از بالا به پایین بین واحد سیاسی و بازیگر قوی با واحد سیاسی ضعیف و کم قدرت شکل می‌گیرد و واحد سیاسی قدرتمند سرنوشت واحد ضعیف را به طور مستقیم و غیرمستقیم تعیین می‌کند. جهت رابطه از حالت عمودی تا مایل است. این الگوی رابطه، همواره بازتاب برتری قدرت بین بازیگر قوی و ضعیف است که از حد تمایل تا حد عمودی شناور است. در رابطه سلطه، دولت قدرتمند خود را در موضع تسلط و برتری می‌بیند و اعمال فشار و اعمال اراده و سیاست بر روی دولت ضعیف را حقی برای خود می‌پندارد. به عبارتی، رابطه سلطه به صورت یک سویه و از بالا به پایین و در طیفی از تمایل تا عمودی، به تناسب قدرت شکل گرفته

و اجرا می‌شود. از طرف دیگر دولت و بازیگر ضعیف در رابطه سلطه، خود را در موضع سلطه‌پذیر، پیرو، اطاعت کننده و آسیب‌پذیر می‌بیند و به رضا یا جبر این رفتار و خصلت را سرنوشت خود می‌پندارد و در برابر دولت و بازیگر سلطه‌گر موضعی انفعالی و آسیب‌پذیر می‌گیرند و در انتخاب رفتار و موضع خود فاقد اختیار لازم است (Hafeznia,2017:493).

شکل (۲): مدل مفهومی الگوی رابطه سلطه



ج) **رابطه نفوذ؛** نفوذ منعکس کننده ظرفیت و توان یک بازیگر برای تغییر یا تحمیل رفتاری خاص بر بازیگر دیگر است (Duncan and others,2004:537). میزان نفوذپذیری فضای جغرافیایی تابع میزان قدرت آن است. برخی از واحدها نفوذپذیری کم دارند ولی برخی از سطح نفوذپذیری زیاد و شمار فراوان بازیگر مداخله‌گر برخوردار هستند. به طوری که قلمرو آنها به عرصه رقابت و کشمکش بازیگران تبدیل می‌شود. واحدهای سیاسی - فضایی حائل و ضعیف چنین ویژگی دارند.

د) **رابطه رقابتی؛** این رابطه بر پایه برابری نسبی قدرت بازیگران شکل می‌گیرد. بازیگرانی که بر اساس منافع متعارض با هم رقابت می‌کنند تا حریف و رقیب را از دستیابی به فرصت‌ها بازدارند. رقابت به مجموعه تلاش‌ها و فعالیت‌هایی اطلاق می‌شود که با هدف کسب برتری و چیرگی در زمینه خاص بین بازیگران انجام می‌شود (Hafeznia,2017:499).

### ۳-۳. طایفه گرایی

طایفه‌اواحد زیستی - فرهنگی متشکل از اجتماع انسانی به هم پیوسته در فضای جغرافیایی است که در آن افراد ادراک مشترکی نسبت به ویژگی‌ها و منافع یکدیگر دارند. طایفه‌گرایی<sup>۲</sup> ریشه در روابط اکولوژیک انسان با مکان و فضای جغرافیای زیست خود دارد که انسان ساکن در آن مکان و فضا، آن را یک حق طبیعی و به عبارتی، حق آب و گل می‌داند که به دفاع از مکان و فضای جغرافیای خود به عنوان زیستگاه و طایفه‌شان می‌پردازد. طایفه‌گرایی در فهم جغرافیایی آن، ساختی محیطی - زیستی (اکوسیستم) از گرایش‌ها، باورها، عقاید، ارزش‌ها، علقه‌ها و پیوندهای سیاسی محلی برآمده از مکان است که رأی‌دهندگان را در داخل یک گروه اجتماعی ویژه به هم پیوند می‌دهد و آنها را برای رسیدن به یک هدف مشترک که همان طرفداری و رأی به فرد یا جریان هم‌زادگاهی و هم‌طایفه‌ای است، وا می‌دارد. بنابراین عوامل اکولوژیکی و اجتماعی، خاستگاه بنیادی شکل‌گیری طایفه‌گرایی است (Sadeghim, 2014: 14).

### ۳-۴. جغرافیای انتخابات

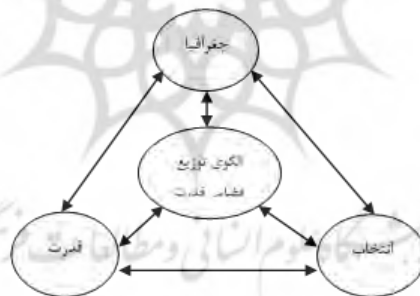
انتخابات<sup>۳</sup>، یکی از راه‌های تجلی افکار عمومی (Imani, 1998: 14) و پراکندگی جغرافیایی افکار سیاسی (Zarghani and Razavi Nejad, 2016: 74) یکی از شاخص‌های مهم نظام مردم‌سالار (Maghsoudi, 2006: 84)، یکی از مهمترین جلوه‌های زندگی سیاسی دنیای امروز (Pishgahifard and Shoshtari, 2008: 110)، سنجه شناخت نگرش‌ها، برداشت‌ها، تنگناها و چالش‌های جامعه (Kavianirad and Ghareh Beigi, 2017: 84)، بخش جدایی‌ناپذیر روند اجرای دموکراسی (Ghaffari and Kaviani, 2011: 89)، شیوه دموکراتیک‌گزینش نهادهای نمایندگی مردم و بنیاد مشروعیت ساختارهای مردم‌سالار است. در عین حال، برگزاری آن یکی از سازوکارهای دموکراسی است (Kavianirad, 2013: 29) و آنچه از صندوق‌های رأی بیرون می‌آید، برآیند عقل جمعی جامعه است (Darabi, 2009: 10). انتخابات یکی از مسائل مطرح در

---

1. Tribe  
2. Tribalism  
3. Election

جغرافیای سیاسی است که تحت عنوان جغرافیای انتخابات مورد بررسی قرار می‌گیرد. هستی-شناسی عینی پدیده رأی و توزیع فضایی آراء، این گرایش را در پیوند با رویکرد فضایی قرار داده، به گونه‌ای که درصد بالایی از آثار موجود در گستره جغرافیای انتخابات بر اساس چنین دیدگاهی نوشته شده‌اند (Mirahmadi and Kavianirad, 2017:106). جغرافی دانان افزون بر مقوله «کیستی» افراد در فرایند انتخابات به مقوله «کجایی» زندگی و زیست فرد نیز اهمیت قائل هستند، به طوری که نقش مکان در فهم و تحلیل جستار مذکور مهم ارزیابی می‌شود و از آن به تحلیل تفاوت‌های فضایی می‌پردازند (Agnew, 1996:138). با این رهیافت می‌توان گفت، جغرافیای انتخابات، به تحلیل کنش متقابل فضا، مکان و فرایند انتخاباتی (Pattie, 2006:2) و مطالعه اثرگذاری تفاوت‌های فضایی در رفتار سیاسی می‌پردازد (Estes, 2005:78). به عبارتی، جغرافیای انتخابات گرایشی از جغرافیای سیاسی است که به مطالعه الگوی توزیع فضایی قدرت در قالب روابط متقابل جغرافیا، انتخابات و قدرت می‌پردازد (Kavianirad, 2013:40).

شکل (۳): مدل مفهومی جغرافیای انتخابات



(منبع: همان)

در این الگو، فضا نمود عینی فرایند دگرگونی‌های اجتماعی، سیاسی و اقتصادی طی زمان در بستر مکان است که عناصر و مناسبات قدرت را آشکار می‌کند. قدرت به عنوان مُحرک و تغییر دهنده با ابزار سرمایه، رسانه و ایدئولوژی، خالق این دگرگونی‌هاست. دارندگان و خواهندگان قدرت برای حفظ وضعیت موجود یا تغییر آن بر اساس علایق و مصالح واحدها (گروه، سازمان،

1. Political Geography
2. Electoral Geography

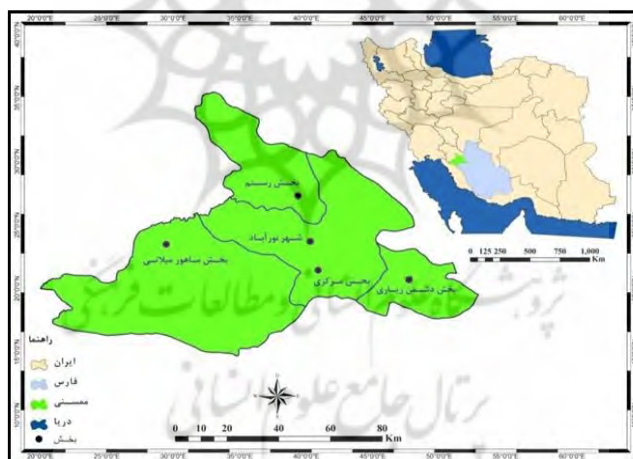


کشور و ...)، فرایندهای فضایی یا همان ساز و کار مؤثر در توزیع فضایی پدیده‌ها را معنا و جهت می‌دهند. انتخابات به عنوان ساز و کار تغییر و تداوم نظام سیاسی ناظر بر گنش و واکنش واحدها برای اختیار گرفتن ابزارهای قدرت به شیوه دموکراتیک است که هدف آن ساماندهی فرایندها و روندهای فضا ساز است. از آنجا که درون‌مایه‌های فضا ذاتاً قدرت می‌آفریند تلاش برای در اختیار گرفتن فضا در فرایند انتخابات، مقصود قدرت است که جغرافیای انتخابات به مطالعه آن می‌پردازد (Kavianirad, 2013: 40).

#### ۴. محیط‌شناسی

شهرستان ممسنی با یک حوزه انتخابیه (ممسنی) و چهار بخش در شمال غربی استان فارس و غرب رشته کوه زاگرس قرار دارد که شامل دو گروه زبانی لری و ترکی قشقایی است. این شهرستان ۱۶۱۹۱۳ نفر جمعیت دارد (Statistical Center of Iran, 2016).

شکل (۴): نقشه موقعیت جغرافیایی شهرستان ممسنی



شهرستان ممسنی در دو دهه اخیر تجزیه شده است، به گونه‌ای که قسمتی از مناطق جغرافیایی آن در شمال شرقی، به شهرستان سپیدان الحاق شده و قسمت دیگر، از غرب به شهرستان دوگنبدان پیوسته است. به نظر می‌رسد محدوده کنونی ممسنی حاصل رقابت‌های سیاسی بازیگران انتخاباتی، جهت کسب کرسی مجلس است. بر پایه شواهد موجود، گرایش گروه‌های طایفه‌ای، قوی‌ترین نیرو و جریان سیاسی حوزه انتخابیه ممسنی است. در این فضای جغرافیایی،

هماوردی‌ها بر بنیاد «قلمروهای طایفه‌ای» شکل می‌گیرد، به نحوی که هر یک از این طوایف، هویت سیاسی و منافع ژئوپلیتیک خود را به نوعی جدا می‌انگارد، به گونه‌ای که گاه چنین شاخصه‌هایی به رویارویی طوایف می‌انجامد. این نوع گرایش‌ها و نگرش‌های مکانی - هویتی به دلیل اهمیتی که در روابط اجتماعی - سیاسی طوایف دارند، برداشت‌ها و ایستارهای ژئوپلیتیک محلی شهرستان را متأثر کرده است. بر بنیاد شواهد موجود ساختار جغرافیای سیاسی ممسنی سه سطح دارد: الف) سطح فراطایفه‌ای و فرازادگاهی؛ بخش مرکزی (بکش و جاوید)، ب) سطح ناحیه‌ای و طایفه‌ای؛ بخش رستم و ج) سطح فرو ناحیه‌ای و فروطایفه‌ای؛ بخش دشمن‌زیاری و ماهور میلّتی. الگوهای یاد شده از منظر جغرافیایی و ماهیت قدرت و نقش‌آفرینی با یکدیگر متفاوت هستند.

بخش مرکزی با وسعت ۲۰۱۲ کیلومتر مربع و با ۹۸۸۱۶ نفر جمعیت، بیشترین وسعت، تمرکز جمعیت و تراکم شبکه ارتباطی در شهرستان را دارد که «شهر نورآباد» مرکز شهرستان و مرکز حوزه انتخابیه ممسنی در این بخش واقع است و به همین دلیل به عنوان «منطقه هسته» شناخته می‌شود (Statistical Center of Iran, 2016). این بخش، زیستگاه دو طایفه بزرگ بکش و جاوید است که به واسطه ساخت فضایی و موقعیت ژئوپلیتیک خود، از وزن ژئوپلیتیک و راهبردی بالایی برخوردار است و همواره در عرصه مناسبات قدرت، از توان اثرگذاری بالایی در حوزه انتخابیه ممسنی برخوردار بوده است.

بخش پیرامونی که نوار حاشیه‌ای جغرافیای ممسنی را پوشش می‌دهد مکان استقرار طوایف رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلّتی است. بخش رستم با وسعت ۱۲۰۰ کیلومتر مربع و ۴۴۳۶۱ نفر جمعیت، یکی از بخش‌های پیرامونی این شهرستان است. بخش دشمن‌زیاری با ۹۳۲۶ نفر جمعیت، در جنوب شرقی و شرق ممسنی واقع است. بخش ماهور میلّتی با ۵۲۹۷ نفر جمعیت،

۱. سطح‌بندی در این ساختار بر بنیاد شش مولفه لحاظ شده است که عبارتند از: ۱. وسعت جغرافیایی، ۲. میزان جمعیت، ۳. موقعیت مناسب جغرافیایی، ۴. توسعه نواحی شهری و روستایی، ۵. تعداد کسب‌گرسی نمایندگی و ۶. پیشینه سیاسی.  
۲. این شهر بر پایه آخرین سرشماری در سال ۱۳۹۵، ۵۷۰۵۸ نفر جمعیت دارد (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵).

### 3. Core Area

تیره‌هایی از طوایف دره‌شوری و کشکولی ایل قشقایی را در خود جای داده است (Statistical Center of Iran, 2016). این بخش‌ها به دلیل موقعیت جغرافیایی و ویژگی‌های مکان استقرار، به طور نسبی در انزوا به سر برده و کمتر در معرض تبادلات و تحولات فرهنگی و اجتماعی قرار گرفته‌اند.

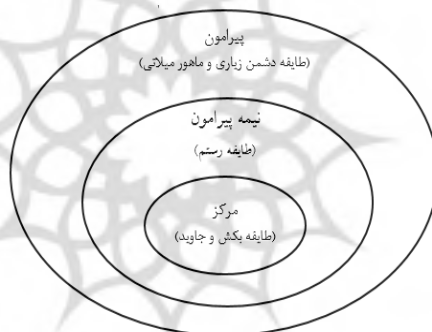
ترکیب عناصر یاد شده در مقیاس منطقه‌ای به تشکیل ساختار سه بخشی در حوزه انتخابیه ممسنی انجامیده است که در کانون آن، قدرت تراز اول منطقه یا همان «بخش مرکزی» قرار دارد. در این بخش دو طایفه پُرنفوذ بکش و جاوید قرار دارند که طایفه بکش با توجه به کسب چهار دوره نمایندگی مجلس در سنجش با همتای سیاسی‌اش یعنی طایفه جاوید (با سه دوره نمایندگی مجلس)، متنفذتر نشان داده است. نقش آفرینی و پویایی این طایفه با توجه به وزن طایفه‌ای و اهرم‌های قدرتی که در دست دارد، صرفاً درون طایفه‌ای نیست، بلکه قلمرو نفوذ آن فراطایفه‌ای و فراناچه‌ای است و توان اثرگذاری بر حوزه‌ها و کنشگران دیگر را دارد. شواهد و مدارک موجود گویای آن هستند که این طایفه در هنگامه‌های سیاسی و انتخاباتی، میدان‌دار و کُنشگر عمده است. در برابر، طایفه جاوید که دیگر متنفذترین طوایف حوزه انتخابیه ممسنی است، همیشه یک پای قدرت در پویش‌های انتخاباتی بوده است. یکپارچگی و هماهنگی از خصیصه‌های پایدار این ساختار ژئوپلیتیک است. با توجه به همکاری و همگرایی درون طایفه‌ای این طایفه، همچون طایفه بکش گستره کارکردی‌اش، فراطایفه‌ای است و قدرت اثرگذاری بالایی در جهت‌دهی به پایگاه رأی نامزدهای انتخاباتی را دارد.

طایفه رستم سطح دیگر این ساخت سه سویه است که جایگاهی «نیمه پیرامون» در ساختار سلسله مراتب ژئوپلیتیک دارد. بدین معنا که در کارزار انتخابات در سنجش با مرکز (بکش و جاوید) اثرپذیر و نسبت به پیرامون (بخش دشمن‌زیاری و ماهور میلانی) اثرگذار و کارگر و توان اثرگذاری‌اش درون طایفه‌ای است و توانش آن صرفاً مرزهای طایفه خود را پوشش می‌دهد. چنین موقعیت دوگانه‌ای طایفه رستم را بر آن داشته تا در ساختار یاد شده با گسترش تعامل با بخش مرکزی در پی تغییر موقعیت خود برای اثرگذاری بیشتر برآید.

در بخش پیرامون ساختار ژئوپلیتیک، دو سازه طایفه دشمن‌زیاری و ماهوری میلانی قرار دارد.

این دو طایفه به دلیل جمعیت کمتر و پراکنده، دوری از مرکز (جغرافیایی)، ضعف انسجام درون طایفه‌ای و پایین بودن شمار منتفذان محلی مؤثر و فرهنگ متفاوت (ماهور میلّتی) قدرت چانه‌زنی و اثرگذاری کمتری داشته باشد. از این رو، قلمرو نفوذ محدود و درجه چندم دارد. چنین شناسه‌هایی به همراه انزوای جغرافیایی به کمتر برخورداری آن از کرسی نمایندگی انجامیده است. به نحوی که حتی بُرد فضایی قدرت دو طایفه یاد شده مقیاسی محدود دارد و گاه حتی درون طایفه‌ای هم نیست. از این رو، در مدیریت سیاسی قلمرو چالش دارند و فضاهای جغرافیایی این قلمرو بارها درگیر خلاء قدرت شده و همین موضوع زمینه برای ورود بازیگران قلمروهای دیگر جهت جذب آراء را فراهم کرده است.

شکل (۵): مدل مفهومی ساختار روابط ژئوپلیتیک بخش‌های حوزه انتخابیه ممسنی



الگوی تعامل مناسبات سه سطح قدرت یاد شده در حوزه انتخابیه ممسنی به تحولات سیاسی به ویژه در انتخابات مجلس شورای اسلامی جهت و معنا داده است. از این رو، این طوایف از سطح نابرابری در مناسبات قدرت قرار دارند و جایگاه هر طایفه در مناسبات قدرت تابعی از سطح قدرت آن و تابعی از وزن ژئوپلیتیک آن طایفه است.

##### ۵. یافته‌های پژوهش

##### ۵-۱. پراکسیس و الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف

پراکسیس به معنای انجام دادن، تمرین کردن و استفاده عملی از امری یا چیزی است. پراکسیس در قالب نیروهای تولیدی و حرکتی نقش هدایت امور جامعه را دارند (Bashkiria, 2011:31).

پراکسیس در ممسنی زمینه پیشرفت و ایستادگی در برابر روبناها در جایگاه حوزه مقاومت نشده بلکه محرک پیشبرد علقه‌های سنتی و طایفه‌گرایی بوده است. بر این اساس، می‌توان روابط قدرت و امکان‌سنجی وزن ژئوپلیتیک طوایف این شهرستان را در ادوار مختلف تاریخی مورد پردازش قرار داد (جدول ۱).

جدول (۱): تشریح نوع روابط ژئوپلیتیک طوایف در بستر تاریخ (پراکسیس)

دوره تاریخی	شناسه	نوع روابط ژئوپلیتیک	پیامد
قبل از ۱۳۳۶ه.ق	پراکندگی ایل ممسنی و فقدان بسترهای لازم برای رقابت اجتماعی و سیاسی	نبود روابط ژئوپلیتیک	نبود نظم و سلسله مراتب درون-ایلی
۱۳۳۶ه.ق	برخورداری طوایف از قدرت اقتصادی، سیاسی و نظامی	الگوی تعاملی میان طوایف رستم و بکش با طوایف جاوید و دشمن‌زیاری، الگوی تعاملی، رقابت و نفوذ میان طوایف جاوید و دشمن‌زیاری	تقسیم قلمرو جغرافیایی شولستان میان طوایف بر بنیاد میزان قدرت
۱۳۱۷ه.ق	انعقاد قرارداد معین‌التجار بوشهری و طوایف ممسنی	الگوی رقابتی و نفوذ میان طوایف بکش و رستم (همکاری امام‌قلی‌خان رستم و نلامیر بابر سالار)، الگوی تعاملی میان سه طایفه جاوید، بکش و دشمن‌زیاری	تجزیه قلمرو جاوید و رستم به دلیل سیاست‌های معین‌التجار و شکل‌گیری جنگ‌های دُورگ‌مدو و تنگه تامرادی در سال ۱۳۰۹ه.ش
۱۳۱۱ه.ش	اعدام امام‌قلی‌خان رستم و خوانین بویراحمد توسط حکومت پهلوی، رکود اجتماعی و سیاسی ایل ممسنی، انعقاد پیمان سرگچینه میان طوایف ممسنی و بویراحمد، تفکیک ماهور میلانی از قلمرو طایفه بکش	تعامل اجتماعی و سیاسی میان تمام طوایف ممسنی	شکل‌گیری نظم چند قطبی میان طوایف و ناتوانی در تسلط بر یکدیگر
۱۳۴۱ه.ش	اجرای اصلاحات ارضی توسط حکومت پهلوی دوم و قیام ایل ممسنی، انعقاد پیمان تهرانپارس میان طوایف ممسنی و بویراحمد	الگوی تعاملی میان تمامی طوایف ممسنی به دلیل برخوردارای از دشمن مشترک (حکومت پهلوی)	وقوع جنگ تنگه تامرادی و اعدام خوانین
۱۳۴۱ه.ش تا ۱۳۵۷ه.ش	دوره پساخوانین (خلاً حاکمیت خوانین)	نبود نظم و مناسبات خاص میان طوایف	گسیختگی نظم سلسله‌مراتبی در قلمرو هر یک از طوایف

(منبع: تدوین: نگارندگان)

۱. منظور از روبناها و حوزه مقاومت، نهادها و ساختارهایی هستند که مانعی در مسیر توسعه سیاسی شهرستان ممسنی هستند.

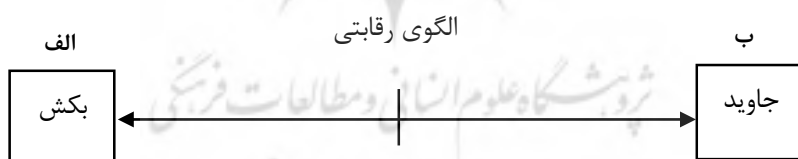
## ۵-۲. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف در حوزه انتخابیه ممسنی

### ۵-۲-۱. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف بکش و جاوید

پس از تحول ساختار ایلی - عشیره‌ای ممسنی و خلأ قدرت در سال ۱۳۴۲ ه.ش، بازساخت مجدد طوایف در شکلی نوین رُخ نمود. به این معنا که الگوی روابط ژئوپلیتیک سنتی برخاسته از سلطه در قالب هم‌آوردی‌های سیاسی - انتخاباتی تغییر شکل داد. در این میان، طایفه جاوید به دلیل برخورداری از جمعیت بالا و تبدیل شهر نورآباد به مرکز سیاسی ممسنی، مهاجرت از مناطق کوهستانی و پیرامونی را در دستورکار خود قرار داد. از این رو، پیش‌زمینه‌های نقش‌آفرینی طایفه جاوید در عرصه سیاست فراهم شد. در برابر، طایفه بکش نیز که به‌عنوان یکی از ارکان قدرت در ایلی ممسنی شناخته می‌شود، پس از فروپاشی ساختار ایلیاتی به ضعف گرایید. افزون بر این، ورود جاویدی‌ها به شهر نورآباد به عنوان قلمرو طایفه بکش حساسیت اجتماعی و سیاسی چندانی نزد ساکنان طایفه بکش برنیا نگیخت. در دهه نخست انقلاب به واسطه چیرگی ارزش‌های انقلابی و مذهبی که به تبع در این شهرستان از یک سو و کم توجهی به سپهر سیاست و انتخابات در میان طوایف جاوید و بکش و ترجیح زندگی معیشتی، دامداری و کشاورزی بر دیگر مسائل و مباحث، سازه فضایی جاوید توانست به واسطه افراد متنفذ خود و جلب حمایت سیاسی دیگر طوایف، نامزد خود را راهی پارلمان کند. در این بازه زمانی به دلیل ضعف اهمیت عامل جغرافیا یا تأثیرگذاری عرق تباری و زادگاهی بر بینش سیاسی کارگزاران، الگوی مناسبات قدرت بکش و جاوید نمودی تعاملی داشت. الگویی که در دومین دور انتخابات نیز استمرار یافت و نامزد قلمرو جاوید (صمد شجاعیان) برای دومین بار بر کرسی مجلس نشست. در این دوره همچنان ذهنیت غالب دو طایف بکش و جاوید نسبت به یکدیگر نمودی همراهانه داشت. زیرا هر دو طرف بر این باور هستند که اصحاب قدرت (اعم از نماینده، فرماندار و غیره) رویکردی فراگیر و غیرطایفه‌ای دارند. اما اوضاع حاکم بر سومین دوره انتخابات به بعد و تأکید ساکنان هر طایفه بر شعارهای هویتی و حیثیتی طایفه محور، الگوی مناسبات قدرت بکش و جاوید را به هم‌آوردی سوق داد. از دور ششم انتخابات مجلس، جمعیت و وسعت قابل توجه این طوایف و استقرار در بخش مرکزی، نظم موجود را به سوی فضای دوقطبی راند که تا نهمین

دوره انتخابات نیز استمرار یافت و تنش سیاسی هر دو طرف را افزود. در این چارچوب، تلاش برای توسعه شهری و روستایی در قلمرو خود، کسب کرسی در مجلس و هم‌آوردی‌های اقتصادی و اجتماعی (بازار، سطح تحصیلات، دستیابی به مقامات بالا در ادارات و نهادهای دولتی و غیره) نمود بیشتری در دستورکار یافت. در این چنین زمانه‌ای، نگرش طایفه بکش به جاوید از تعامل در دوره‌های نخست و دوم انتخابات به هم‌آوردی در دیگر ادوار تبدیل شد. الگویی که در روابط اجتماعی هر طرف نیز گسترش یافت به گونه‌ای که شماری از طایفه بکش به ورود ساکنان طایفه جاوید به زیستگاه خود اقبال چندانی ندارند. مسئله‌ای که در دهمین دوره انتخابات نیز مشهود بود به طوری که جاویدی‌ها به دلیل شکست سیاسی در ادوار هشتم و نهم، با حمایت از نامزد تیره بوان (مسعود گودرزی)، هم‌آوردی با طایفه بکش را در پیش گرفت و مانع از استمرار کامیابی‌های این طایفه شد. در واقع، طایفه جاوید موازنه‌سازی در برابر طایفه بکش را از رهگذر همراهی و اتحاد با تیره بوان (اجزای فضایی قلمرو بکش) دنبال کرد. آشکار است که پیروزی طایفه بکش می‌توانست نظم موجود را به صورت تک‌قطبی درآورد و طایفه جاوید را به انزوا کشاند.

شکل (۶): مدل مفهومی الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف بکش و جاوید

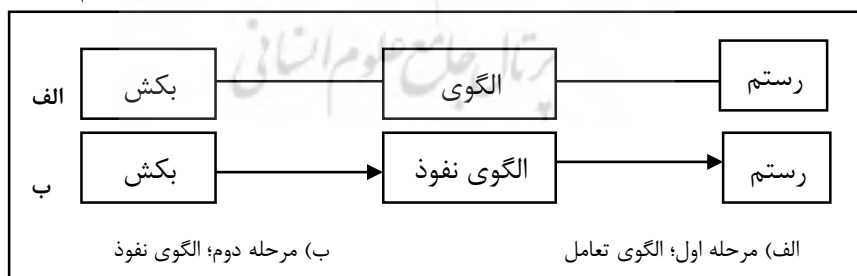


#### ۲-۲-۵. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف بکش و رستم

به دلیل موقعیت جغرافیایی طایفه بکش (مرکز) و رستم (پیرامون)، رویارویی اجتماعی و سیاسی آنها به ندرت شکل گرفته است. بر این اساس، امکان سلطه آنها برهم نیز ناممکن می‌نماید. طایفه رستم به دلیل برخورداری از جمعیت و وسعت سرزمینی قابل توجه همواره به عنوان یکی از مدعیان کسب کرسی مجلس بوده است. این روحیه و رویکرد که شالوده در پیشینه سیاسی طایفه رستم دارد، در پیروزی آنها طی دوره‌های چهارم و پنجم انتخابات نقش به‌سزایی داشت. با

وجود این، رقابت ژئوپلیتیک طوایف بکش و جاوید نیز در کسب گُرسی توسط طایفه رستم اهمیت داشته است؛ چراکه با دو مرحله‌ای شدن انتخابات در ادوار چهارم و پنجم، ابتدا طایفه جاوید از نامزد طایفه رستم (رضاعلی الهیاری) و سپس طایفه بکش از نامزد طایفه رستم (فریرز انصاری) حمایت کردند (یافته‌های میدانی نگارندگان، ۹۶). با وجود این، عواملی مانند یکپارچگی هویتی طایفه بکش، شکاف‌های فرهنگی، اجتماعی و جغرافیایی درون طایفه رستم و تعریف کارزار انتخاباتی بر بنیاد بکش - جاوید در تضعیف موقعیت سیاسی طایفه رستم نقش به سزایی داشت و مانع از استمرار پیروزی‌های این طایفه در دوره‌های بعدی انتخابات شد. از این رو، به دلیل در حاشیه قرار گرفتن طایفه رستم، نامزدهای طایفه بکش تعامل و نفوذ سیاسی در قلمرو رستم را در دستورکار قرار دادند. گسترش تبلیغات انتخاباتی نامزدها در قلمرو طایفه رستم گویای این مسئله است. برآوردها نشان می‌دهند که طایفه رستم به دلیل ذهنیت توده مبنی بر رقابت سنتی بکش - رستم در عهد خوانین از یک سو و استمرار قدرت بکش در ادوار هشتم و نهم از سوی دیگر، موقعیت سیاسی و وزن ژئوپلیتیک خود را در خطر دید. از این رو، حمایت سیاسی درخوری از طایفه بکش در دهمین دوره انتخابات (مرحله دوم) به عمل نیاورد. در واقع، طایفه رستم به دلیل احتمال شکل‌گیری نظمی تک‌قطبی در حوزه انتخابیه، مانع از راهیابی نامزد این طایفه (عبدالرضا مرادی) به مجلس شد. در مجموع، طوایف بکش و رستم در کارزار انتخابات الگوی تعاملی و مدارا را در پیش گرفته‌اند.

شکل (۷): مدل مفهومی الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف بکش و رستم



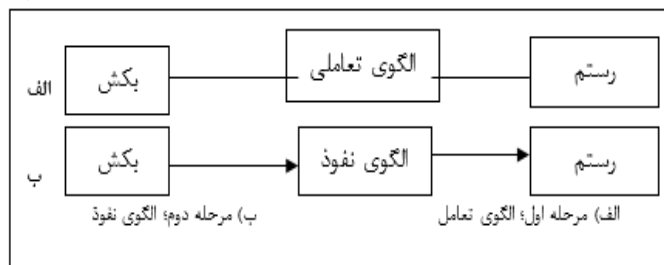
۳-۲-۵. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف بکش و دشمن‌زیاری

نوع روابط اجتماعی و سیاسی طوایف بکش و دشمن‌زیاری با حساسیت و تنش همراه نبوده



است. در واقع، استقرار طایفه دشمن‌زیاری در نواحی پیرامونی و کوهستانی، مهاجرت ساکنان این قلمرو به شیراز و تجزیه و جدایی برخی از مناطق وابسته به این طایفه (روستاهای سرناباد و هرایجان) از وزن مکانی آن در مناسبات قدرت فروکاست. از این‌رو، بکشی‌ها در پی تقویت تعامل در قلمرو دشمن‌زیاری برآمده‌اند. تقویت پایگاه آراء نامزدهای طایفه بکش در این قلمرو گویای نفوذ این طایفه بوده است. برای نمونه، به طور مشخص در ادوار پنجم، هشتم، نهم و دهم انتخابات نیز نامزدهای انتخاباتی طایفه بکش یعنی سید ابراهیم امینی با اخذ ۲۱۷۸ رأی، عبدالرضا مرادی با کسب ۳۹۹۶ رأی، نوذر شفیعی با اخذ ۲۹۳۵ رأی و مسعود گودرزی با کسب ۳۰۵۴ رأی در این قلمرو آرای پُروزی دشت کردند که نقش بی بدیلی در پیروزی ایشان در انتخابات داشته است (Mamasani county gubernatorial, 1991, 2008, 2011, 2016). پایین بودن وزن مکانی طایفه دشمن‌زیاری به گسیختگی و شناوری آراء آنها انجامیده به گونه‌ای که دیگر بازیگران (طوایف) سعی بر جذب آراء این طایفه را داشته‌اند. با این حال به نظر می‌رسد در بین بازیگران، طایفه بکش بیش از دیگر بازیگران توانسته است بر تحرکات اجتماعی و سیاسی خود را در این قلمرو بیافزاید. این مسئله ریشه در وزن ژئوپلیتیک طایفه بکش (قدرت درجه یک) و دیدگاه خوش‌بینانه و نگرش مثبت ساکنان قلمرو دشمن‌زیاری (قدرت درجه چهار) نسبت به تاریخ، فرهنگ و قدرت سیاسی نامزدهای بکش دارد. شایان نگرش است که طایفه بکش از طریق ابزارهای مادی (کمک‌های اقتصادی و وعده‌های انتخاباتی مبنی بر واگذاری بودجه و امکانات به فضای جغرافیایی این طایفه) و معنوی (تبلیغات و خلق دال‌های گفتمانی نظیر «دشمن‌زیاری دشمن‌ستیز») به گسترش تعامل با طایفه دشمن‌زیاری می‌پردازد. روی هم رفته، شکل نگرفتن الگوی رقابتی در میان هر دو طرف زمینه همگرایی در انتخابات را فراهم کرده است. به سخن دیگر، طایفه دشمن‌زیاری به واسطه ضعف ساختاری در موازنه‌سازی در برابر سازه قدرتمند بکش، ترجیح منافع خود را در همراهی با قدرت برتر (بکش) دیده است.

شکل (۸): مدل مفهومی الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف بکش و رستم

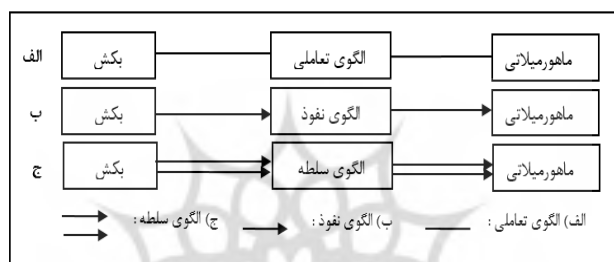


#### ۴-۲-۵. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف بکش و ماهورمیلاتی

طوایف بکش و ماهور میلاتی با وجود تفاوت فرهنگی و زبانی، روابط اجتماعی و سیاسی حسنه‌ای دارند. بکشی‌ها به واسطه عدم شناخت اهمیت اقتصادی و ژئوآکونومیک ماهور میلاتی در زمان قدیم (خوانین)، این محدوده را به ایل قشقایی فروختند. با وجود این، کشف منابع و ذخایر نفت در فضای جغرافیایی ماهور میلاتی بر اهمیت اقتصادی آن افزود. گروه‌های فشار بکش در این قلمرو نفوذ گسترده‌ای دارند. این الگوی ژئوپلیتیک در انتخابات مبرهن است، به طوری که نمایندگان مُنتَسَب به طایفه بکش در ادوار مختلف انتخابات، رأی نخست را در اختیار داشته‌اند. در تأیید این تحلیل، به طور مشخص در دوه‌های ششم، هشتم، نهم و دهم انتخابات نیز نامزدهای انتخاباتی طایفه بکش یعنی سید ابراهیم امینی، عبدالرضا مرادی، نوذر شفیعی و مسعود گودرزی به ترتیب در این قلمرو ۱۳۵۳، ۳۰۳۹، ۵۰۲۶ و ۲۴۵۴ رأی کسب کردند که آرای پُرورنی است (Mamasani county gubernatorial, 2008, 2011, 2016). عواملی نظیر جمعیت اندک و پراکنده، فضای جغرافیایی پهناور و تهی از سکنه، خصلت زیست‌بیلاقی و قشلاقی (کوچ‌زیستی)، زبان و فرهنگ متفاوت ماهور میلاتی در فروکاستن از نقش و وزن سیاسی و اجتماعی این طایفه مؤثر بوده است که مانع از نقش‌آفرینی مستقل و فعال این طایفه در انتخابات مجلس می‌شود. در این باره، امکان بسیج متنفذان محلی و نیروهای همراه توسط طایفه بکش در قلمرو ماهور میلاتی وجود دارد. از سوی دیگر، نگرش و ذهنیت ساکنان ماهور مبتنی بر ضعف توانایی در مدیریت درونی و انسجام قلمرو خود در کارزار انتخابات نیز مؤثر بوده، مسئله‌ای که در رویکرد انفعالی این طایفه و تلقی این منطقه تحت عنوان «آراء سرگردان» تأثیرگذار بوده است.

از این رو، طایفه بکش به دنبال الگوی نفوذ و سلطه بر قلمرو سابق خود (ماهور) است که در شرایط کنونی از نظر وزن مکانی در پایین فهرست طوایف ممسنی قرار می‌گیرد. شایان ذکر است که در صورت پیوست جغرافیایی ماهور میلاتی به طایفه بکش، افزون بر افزایش وزن ژئوپلیتیک بکش به ضمن بهره‌گیری از فرصت‌های اقتصادی این قلمرو در منطقه بی‌بی‌حکیمه و دسترسی به کرانه‌های خلیج فارس (گناوه و دیلم) می‌انجامد.

شکل (۹): مدل مفهومی الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف بکش و ماهور میلاتی

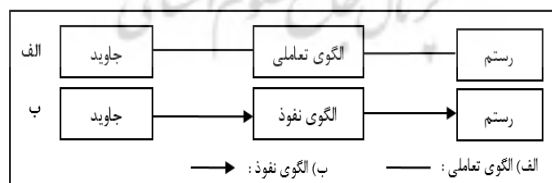


#### ۵-۲-۵. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف جاوید و رستم

طایفه جاوید یکی از قطب‌های اقتصادی و سیاسی حوزه انتخابیه ممسنی است. این واحد سیاسی - فضایی الگویی دوسویه در مناسبات قدرت دارد. به نحوی که در مقایسه با طایفه بکش توانایی کمتری در کارزار انتخابات دارد اما نسبت به طایفه رستم پُر وزن‌تر نموده است. اساساً جاویدی‌ها به دلیل برخورداری از جمعیت قابل توجه و فضا سازی و قلمروگستری در دیگر فضای جغرافیایی حوزه انتخابیه ممسنی همواره وزن ژئوپلیتیک درخوری در انتخابات داشته است. گرچه طوایف جاوید و رستم پیوستگی فضایی و مرز جغرافیایی اندکی دارند اما الگوی تعاملی و نفوذ بیشتر از الگوی رقابتی و نفوذ در جریان است، زیرا جاویدی‌ها هم‌اورد اصلی خود را طایفه بکش می‌پندارد تا طایفه رستم. از این رو، به دنبال گسترش دادوستد و مناسبات اجتماعی و سیاسی خود در قلمرو طایفه رستم است تا بتواند از نفوذ نیز برخوردار شود. در طرف مقابل طایفه رستم برای پیروزی در انتخابات و بازسازی هویت و قدرت دیرینه خویش در عصر قدیم (خوانین) در پی همکاری سیاسی با طایفه جاوید از یک سو و تقویت آراء نامزدهای خود از طریق شبکه‌های اجتماعی هویتی یا سامان‌یافته (نظیر روستای پراشکفت) است تا نفوذ خود را

در قلمرو جاوید حفظ کند. بر این بنیاد، ساخت الگوی تعاملی طوایف جاوید و رستم ضمن جلوگیری از رقابت پُرهزینه آنها با یکدیگر، جهت‌گیری رقابت را متوجه طایفه بکش به عنوان قدرت درجه یک می‌کند. در واقع، این طوایف در پی جلوگیری از تک‌قطبی شدن فضای انتخابات و به تبع آن ساختار حوزه انتخابیه هستند. واکاوی ادوار مختلف انتخابات بیانگر ضعف وقوع تنش و درگیری خیابانی میان این طوایف است. کشته شدن یکی از جوانان طایفه رستم توسط افرادی از طایفه جاوید (Political-security identity, 2011:55) نیز برخاسته از کشمکش طوایف بکش و جاوید در نهمین دوره انتخابات بود. باید اشاره کرد که مسافت جغرافیایی قلمرو رستم تا مرکز شهر نورآباد نیز در عدم رویارویی مستقیم و تنش با طوایف بخش مرکزی نقش داشته است. پردازش ده دوره انتخابات بیانگر این است که به جز دوره پنجم (مرحله دوم) و هفتم (علی احمدی از طایفه جاوید و قدرت‌آله میرفردی از طایفه رستم) رقابت چندانی میان طوایف جاوید و رستم درنگرفته است. از سوی دیگر، می‌توان به نوع تعامل طوایف در وضعیت درک تهدید مشترک از سوی طایفه بکش اشاره کرد. در این زمینه می‌توان به طرفداری طایفه جاوید از نامزد طایفه رستم (رضاقلی الهیاری) در چهارمین دوره انتخابات (مرحله دوم) اشاره کرد (Roumina and Sadeghi, 2015:101). پشتیبانی حداکثری طایفه جاوید (۱۰۰۰۰ رأی تقریباً) و رستم (۱۷۳۳۹ رأی) از نامزد تیره بوان (مسعود گودرزی) در تقابل با نامزد طایفه بکش (عبدالرضا مرادی) در دهمین دوره انتخابات گویای الگوی تعاملی است (Mamasani county gubernatorial, 2017).

شکل (۱۰): مدل مفهومی الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف جاوید و رستم

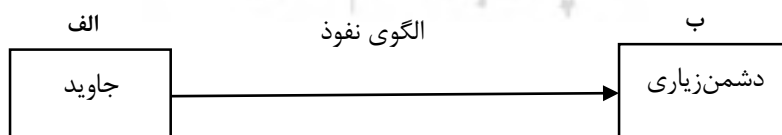


#### ۵-۲-۶. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف جاوید و دشمن‌زیاری

قلمرو جاوید و دشمن‌زیاری پیوند فضایی و مکانی با یکدیگر دارند. جاویدی‌ها عمدتاً به دنبال

تحصیل آراء شناور حوزه جغرافیایی دشمن‌زیاری هستند اما در قیاس با همتای سیاسی‌اش یعنی بکش، توفیق کمتری داشته است. تطبیق آراء نمایندگان طایفه بکش و جاوید طی ده دوره انتخابات گویای این مسئله است. در این باره می‌توان به آرای نامزدهای انتخاباتی طایفه بکش یعنی سید ابراهیم امینی، عبدالرضا مرادی، نوذر شفیعی و مسعود گودرزی در این قلمرو اشاره کرد که به ترتیب ۱۰۶۱، ۳۹۹۶، ۲۹۴۹، ۳۸۸۹ رأی در بخش ماهور میلانی اخذ کردند. شایان ذکر است که در دوره ششم علی‌رغم حضور نامزدی قدرتمند (پارسا) از سوی طایفه دشمن‌زیاری در انتخابات، سید ابراهیم امینی رأی درخوری اخذ کرده است. از سوی دیگر، علی احمدی در دوره هفتم ۵۳۰۷ رأی در بخش دشمن‌زیاری کسب کرد (Mamasani county gubernatorial, 2001, 2004, 2008, 2012, 2016). به‌طور کلی الگوی مناسبات طایفه جاوید و دشمن‌زیاری را می‌توان از نوع نفوذ دانست تا سلطه؛ چراکه قادر به همراهی ساکنان دشمن‌زیاری در بیشتر ادوار انتخابات مجلس نبوده است. روی هم رفته، طایفه جاوید به عنوان قدرت درجه دوم، جذب آراء شناور طایفه دشمن‌زیاری را به عنوان قدرت درجه چهارم گامی برای پیروزی در کارزار انتخابات می‌داند. هرچند جذب آراء طایفه دشمن‌زیاری به دلیل پراکندگی روستاها و جمعیت اندک دشوار می‌نماید اما موازنه‌سازی طایفه جاوید در برابر طایفه بکش (سلطه بر ماهور میلانی) ممکن است از طریق جذب آراء طایفه دشمن‌زیاری صورت گیرد. جدای از این، در صورت عدم یا ضعف اجابت خواسته‌هایشان از سوی طایفه بکش امکان گرایش آنها به طایفه جاوید وجود خواهد داشت.

شکل (۱۱): مدل مفهومی الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف جاوید و دشمن‌زیاری

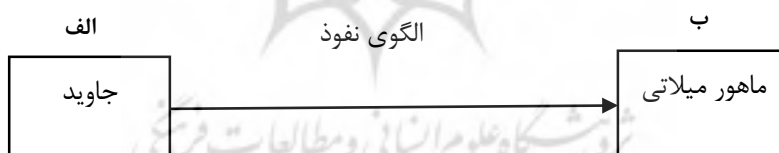


۷-۲-۵. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف جاوید و ماهور میلانی

طوایف جاوید و ماهور میلانی به دلیل نداشتن مرز جغرافیایی مشترک، اندازه تعاملات‌شان پایین

است. این مسئله در تضعیف پایگاه آراء نامزدهای طایفه جاوید در این قلمرو مؤثر بوده است. با وجود این، جاویدی‌ها به دنبال گسترش نفوذ سیاسی در این قلمرو است تا میزان آراء نامزدهای طایفه بکش را بکاهد. از نظر فرهنگی نیز ضعف درک مشترک این طوایف از هم، نقش‌آفرینی و گُشگری ذی‌نفوذان طایفه جاوید را در این قلمرو با چالش رو به رو کرده است. به همین دلیل امکان تسلط جاوید بر این منطقه نه‌چندان قدرتمند و فاقد مدیریت درونی خود وجود ندارد و میزان آراء نسبی طایفه جاوید در این بخش را می‌توان برخاسته از نفوذ موقتی و تبلیغات دانست. در سوی دیگر، طایفه ماهور میلانی به‌رغم اذعان به قدرت اجتماعی و سیاسی طایفه جاوید، بیشتر به سوی طایفه بکش گرایش دارند. میزان آراء نمایندگان پیروز طایفه بکش در ادوار سوم، ششم، هشتم، نهم و دهم گویای این امر است. هرچند که نمی‌توان میزان آراء نمایندگان پیروز طایفه جاوید در این قلمرو را نادیده انگاشت؛ چراکه صمد شجاعیان و علی احمدی در ادوار دوم و هفتم به ترتیب ۳۱۳۲ و ۲۷۷۶ رأی اخذ کردند (Mamasani county gubernatorial, 1985-2004).

شکل (۱۲): مدل مفهومی الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف جاوید و ماهور میلانی

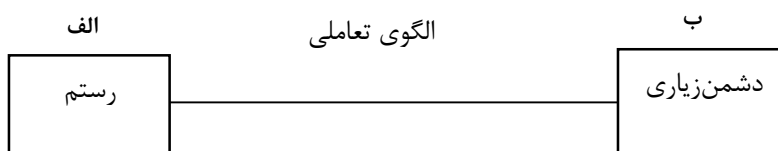


۵-۲-۸. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف رستم و دشمن‌زیاری

طایفه رستم به عنوان قدرت درجه سوم در حوزه انتخابیه ممسنی توانایی نقش‌آفرینی در قلمرو خود را دارد و در جذب آراء شناور با مانع روبه‌رو است. این مشخصه در تضعیف جایگاه سیاسی و پایگاه آراء نامزدهای این طایفه در تطبیق با طوایف بکش و جاوید مؤثر است. در این چارچوب، نداشتن مرز مشترک قلمرو رستم با قلمرو دشمن‌زیاری مانع از شکل‌گیری مناسبات قدرت خاص آنها شده است. هر چند در هنگامه انتخاباتی تعاملاتی میان این طوایف صورت می‌گیرد، اما نهادینه و پرمایه نیست. از سوی دیگر، ساکنان و رأی‌دهندگان دشمن‌زیاری نیز بر

این باور هستند که پیروزی طایفه رستم در انتخابات تأثیر چندانی بر معیشت و پیشرفت آنان نخواهد داشت؛ چراکه دوری جغرافیایی مانع از توجه طایفه رستم به آنان خواهد شد. چنین بینشی بازدارنده نفوذ و سلطه رستم در قلمرو این طایفه و افزایش وزن ژئوپلیتیک‌اش شده است.

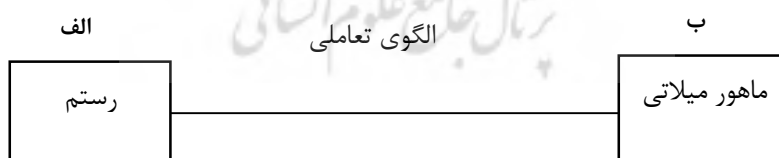
شکل (۱۳): مدل مفهومی الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف رستم و دشمن زیاری



۹-۲-۵. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف رستم و ماهور میلّاتی

طایفه رستم نه تنها مرز مشترکی با ماهور میلّاتی ندارد، بلکه فرهنگ نسبتاً متفاوتی دارند. هر چند رستمی‌ها از طریق پیوند سرزمینی که با شهرستان گچساران دارند، قادر به ورود به قلمرو ماهور هستند اما قابلیت نفوذ و سلطه بر قهقرای این قلمرو را ندارد. از این رو، ناگزیر از برقراری روابط تعاملی با این طایفه در انتخابات است. در برابر، ماهور میلّاتی نیز باوری به توانایی نامزدهای طایفه رستم برای کسب کرسی در مجلس ندارد. به همین دلیل آراء مُردد خود را به صندوق قدرت درجه یک و دو سراریز می‌کند. در مجموع، امکان نفوذ طایفه رستم در قلمرو ماهور اندک است که خود برخاسته از عوامل جغرافیایی (فاصله زیاد) و انسانی (فرهنگ متفاوت، محدود بودن قدرت رستم به قلمرو خود، ناکامی در کسب کرسی از دوره پنجم به بعد) است.

شکل (۱۴): مدل مفهومی الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف رستم و ماهور میلّاتی



۱۰-۲-۵. الگوی روابط ژئوپلیتیک طوایف دشمن زیاری و ماهور میلّاتی

طایفه دشمن زیاری و ماهور میلّاتی به عنوان قدرت‌های درجه چهار و پنج توانایی چندانی برای اثرگذاری در انتخابات را ندارد و طرفداری از دیگر طوایف را بر عرضه نامزد ترجیح می‌دهد.

این طوایف که مرز جغرافیایی مشترکی ندارند، از نظر اقتصادی و سیاسی منحصر به قلمرو خود هستند. بدین معنا که این طوایف در مرحله تأمین معیشت و بقاء قرار دارند. از این رو، مسائل و مباحث سیاسی در درجه دوم اهمیت قرار می‌گیرند. اضافه بر این، طایفه دشمن‌زیاری مهاجرت به شهر شیراز و طایفه ماهور میلّتی، بیلاق و قشلاق به شهرستان سمیرم و شهرضا را گامی برای تأمین معیشت خود می‌دانند. از نظر الگوی روابط ژئوپلیتیک، این طوایف از توانش نفوذ، سلطه یا رقابت با یکدیگر در انتخابات برخوردار نیستند. همچنین از تعامل و روابط اجتماعی چندانی با یکدیگر برخوردار نیستند. به همین دلیل می‌توان از فقدان الگوی روابط قدرت در میان دشمن-زیاری و ماهور میلّتی سخن به میان آورد.

### ۳-۵. پیامدهای روابط ژئوپلیتیک طوایف در حوزه انتخابیه ممسنی

با توجه به اینکه الگوی روابط ژئوپلیتیک در حوزه انتخابیه ممسنی بر بنیاد ساختار و ارزش‌های طایفه‌ای استوار است، فضای جغرافیایی ممسنی نیز از آن متأثر شده است. بدین معنا که ساکنان ممسنی در روابط اجتماعی و سیاسی خود متأثر از نوع روابط و تعاملات با دیگران هستند. در واقع، نقش طوایف در انتخابات بر ذهنیت و نگرش توده مردم مبنی بر تعریف سطح تعاملات خود اثرگذار بوده است. در این چارچوب، امکان همگرایی طوایفی مانند بکش و جاوید که در بخش مرکزی سُکنی گزیده‌اند به دلیل الگوی رقابتی و کشمکش‌های پیآمدهایی همچون سوءظن، بی‌اعتمادی، تحقیر اجتماعی و توزیع ناعادلانه ثروت و قدرت از سوی نمایندگان و سایر کارگزاران را به همراه دارد. افزون بر این، مرزهای عینی و ذهنی در الگوی رقابتی پُررنگ‌تر شده است. یعنی طوایف جاوید و بکش بیش‌خوش‌بینانه‌ای از هم ندارند و حضور در قلمرو دیگری به منظور گذران اوقات فراغت (گردشگری) یا ازدواج‌های برون‌طایفه‌ای نیز برایشان دشوار است. از سوی دیگر، می‌توان به تفکر و خط‌مشی طوایف نفوذپذیر و تحت سلطه اشاره کرد که ناگزیر از برقراری الگوی تعاملی جهت کسب حداقلی منابع قدرت و ثروت هستند. در واقع، به دلیل فرودستی این طوایف (نظیر دشمن‌زیاری و ماهور میلّتی) کُنش در ساختار طایفه‌ای حفظ وضع موجود اولویت اساسی‌شان به شمار می‌رود. در واقع به دلیل ناتوانی مدیریت داخلی از یکسو و ضعف در به چالش کشاندن طوایف مسلط از سوی دیگر ناگزیر از همراهی با آنها



هستند. در این میان، به دلیل انتقال و تغییر کُرسی مجلس میان قدرت درجه یک و دو (بکش و جاوید)، قدرت درجه سه (رستم) به دنبال تغییر در نظم موجود است. با وجود این، تنش و از هم گسیختگی در طایفه رستم مانع از اجرای سیاست موازنه‌سازی در برابر این قدرت‌ها شده است و این طایفه ناگزیر از ائتلاف با قدرت درجه دو (جاوید) برای به چالش کشاندن قدرت درجه یک (بکش) یا همراهی با قدرت درجه یک به منظور کسب امتیازات اقتصادی و سیاسی شده است. سرانجام، قوی‌ترین پی‌آیند این نوع الگوها، تشدید گرایش‌های قومی - طایفه‌ای و حس تعلق مکانی کارگزاران است. در این باره، نمایندگان حوزه انتخابیه ممسنی در ادوار مختلف بیشترین توجه را به قلمرو جغرافیایی طایفه خود معطوف داشته‌اند و به دلیل رقابت با دیگر طوایف یا سلطه و نفوذ در آنها به توزیع قدرت و ثروت در این مناطق نمی‌پردازند. گرچه امکان سرمایه‌گذاری در مناطق تحت سلطه یا نفوذ (دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی) برای طوایف مقدور است، اما طوایف رقیب چندان مورد اعتنا قرار نمی‌گیرند. اتخاذ این رویکرد، پیامدهای ناخوشایند دیگری مانند تشویش اذهان عمومی، شایعه‌پراکنی، غوغاسالاری، خشونت و درگیری فیزیکی میان طوایف و ناامنی در حوزه انتخابیه را به همراه داشته است.

#### ۵-۴. آینده‌پژوهی روابط ژئوپلیتیک طوایف

ساختار روابط سخت میان طوایف ممسنی به دلیل رقابت بر سر منزلت ژئوپلیتیک و منافع کوتاه‌مدت طی ادوار بعدی انتخابات نیز پابرجا خواهد بود. به عبارتی، سوءظن اجتماعی و سیاسی طوایف نسبت به یکدیگر مانع از انعطاف‌پذیری آنها می‌شود. هر چند در عرصه اجتماعی مواردی نظیر همزیستی مسالمت‌آمیز افراد در یک محله یا روابط تعاملی در محیط کار (اداره، دانشگاه، مدرسه و غیره)، انعطاف لازم میان طوایف وجود دارد، ولی در عرصه سیاست به ویژه کارزار انتخابات چنین نگرشی شکل نخواهد گرفت، زیرا پیروزی در این عرصه به معنای کسب تمامی فرصت‌ها به منظور ابراز وجود در سطح شهرستان محسوب می‌شود، ولی شکست به منزله ضعف درونی، اُلجام گسیختگی و تضعیف وزن مکانی آنها قلمداد خواهد شد. در این میان، احتمال انعطاف میان سه طایفه قدرتمند بکش، جاوید و رستم با دو طایفه ضعیف دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی بیشتر خواهد بود؛ چراکه دو طایفه اخیر همواره در انزوای ژئوپلیتیک به سر

می‌برند. این در حالی است که سه طایفه نخست دائم به دنبال اثبات برتری خود بر یکدیگر هستند. از این‌رو، انعطاف‌پذیری در روابطشان کمتر مشهود است. هر چند ممکن است طایفه رستم با طوایف بکش و جاوید همکاری نماید و روابط خود را با هر یک از آنها بهبود بخشد، ولی به دلیل استقرار طوایف بکش و جاوید در بخش مرکزی حوزه انتخابیه ممسنی و رقابت تنگاتنگ آنها با یکدیگر، انعطاف‌پذیری‌شان بسیار ضعیف خواهد بود. ناگفته نماند که طایفه رستم با معرفی نامزدی قدر در انتخابات، در مناسبات خود با طوایف بکش و جاوید انعطافی از خویش نشان نخواهد داد.

الگوی روابط ژئوپلیتیک در حوزه انتخابیه ممسنی نشان می‌دهد که قدرت‌های درجه یک و دو (بکش و جاوید) فعال‌ترین و جریان‌سازترین گُش‌گران کارزار انتخابات هستند. از این‌رو، قلمرو بکش به دلیل شکاف سیاسی با یکی از سازه‌های وابسته به خود (تیره بَوان) به دنبال جبران شکست در یازدهمین دوره انتخابات خواهد بود. با وجود این، رویارویی تیره بَوان با طایفه خود (بکش) بازتاب‌هایی نظیر شکاف درون‌طایفه‌ای، تضعیف وزن ژئوپلیتیک بکش و ناکامی این طایفه در بسیج همگانی نیروهای همراه در تحولات میدانی انتخابات را به همراه داشته است. تحت این شرایط، طایفه بکش همچنان طایفه جاوید را به عنوان "دولت در سایه" می‌پندارد که با تجهیز سیاسی بَوان توانسته است شکاف و تزلزل درونی بکش را رقم زند. از سوی دیگر، می‌توان سناریوهای مختلفی برای آینده روابط طوایف بکش و جاوید متصور شد. نخستین سناریو، حضور مجدد تیره بَوان در انتخابات است. در این شرایط احتمال شکست مجدد طایفه بکش وجود خواهد داشت. دومین سناریو رد صلاحیت نماینده تیره بَوان و عدم معرفی نامزدی دیگر در انتخابات است. از این‌رو، احتمال هواداری تیره بَوان از نامزد احتمالی طایفه جاوید ممکن خواهد بود. بر این بنیاد، طایفه بکش در صورت معرفی تنها یک نامزد امکان رویارویی با ائتلاف جاوید - بَوان را خواهد داشت. به نظر می‌رسد از آنجایی که دو طایفه بکش و جاوید در یک فضای جغرافیایی زیست می‌کنند، به دلیل رقابت‌های ژئوپلیتیکی که از دیرباز با هم داشته‌اند، همواره سرناسازگاری با یکدیگر دارند. از این‌رو، تغییری در الگوی روابط این دو حاصل نمی‌شود و الگوی رقابتی پایدار خواهد بود. در رابطه با طوایف بکش و رستم احتمال تغییر

الگوی روابط وجود دارد، بدین گونه که با معرفی نامزدی قدرتمند از سوی طایفه رستم و انسجام سیاسی این طایفه، احتمال شکل‌گیری الگوی روابط رقابتی بین این دو طایفه وجود خواهد داشت. بنابراین، ضریب نفوذ طایفه بکش در قلمرو رستم کاهش می‌یابد. از آنجایی که طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی از جمعیت و اتحاد لازم به منظور بازیگری در انتخابات برخوردار نیست، نمی‌توان شاهد تغییر الگوی روابط این طوایف با طایفه بکش بود. این الگو برای طایفه جاوید در قبال دیگر طوایف (رستم، ماهور و دشمن‌زیاری) صدق می‌کند. از سوی دیگر باید به طایفه رستم اشاره کرد که پیوسته با تکرر نامزد رو به رو است. این طایفه به دنبال ارتقاء جایگاه خود در حوزه انتخابیه ممسنی است. در واقع، به دلیل شکست این طایفه در پنج دوره متوالی و ناکامی نامزدهای مُتَسَبِّب به خود در راهیابی به مجلس، ناگزیر از انسجام درونی است. با وجود این، به دلیل حمایت طایفه رستم از تیره بوان در دهمین دوره انتخابات (مرحله دوم) احتمال چرخش بوان به رستم نیز وجود خواهد داشت. شایان ذکر است که معرفی تنها یک نامزد از سوی طایفه رستم، احتمال پیروزی در انتخابات و دگردیسی در جایگاه و منزلت ژئوپلیتیک این طایفه وجود خواهد داشت. از این رو، نوع الگوی روابط این طایفه با دیگر طوایف (دشمن‌زیاری و ماهورمیلاتی) تغییر پیدا خواهد کرد. بدین معنا که افزون بر الگوی تعاملی، احتمال تسلط و نفوذ قلمرو رستم بر این دو طایفه وجود خواهد داشت. سرانجام، طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی به لحاظ نوع الگوی روابط همچنان تحت نفوذ و سلطه سه قدرت یاد شده خواهند بود؛ چراکه از نظم، برنامه و تحرکات سیاسی لازم برای معرفی نامزد برخوردار نیستند و آراء شناور خود را به نفع نامزدهای قدرتمند خواهند نوشت. هر چند که هم‌اکنون انتصاب فرماندار و رئیس آموزش و پرورش از طوایف ماهور میلاتی و دشمن‌زیاری توسط نماینده حوزه انتخابیه ممسنی (مسعود گودرزی) منزلت اجتماعی و سیاسی آنها را ارتقاء داده است، اما به نظر می‌رسد این اشخاص بیشتر به عنوان اهرم فشار برای جذب آراء ساکنان طایفه خود در ادوار بعدی انتخابات به‌شمار می‌روند تا شخصیتی فرهمند به منظور ساماندهی طوایف خود و معرفی نامزد مستقل در انتخابات. روی هم رفته، به نظر می‌رسد که به دلیل کشمکش و هم‌آوردی طوایف جاوید و بکش و کوشش طایفه رستم برای بازیابی هویت و حیثیت سیاسی خود، همچنان نظم ژئوپلیتیک کنونی

میان طوایف پابرجا خواهد بود. با وجود این، ممکن است نوع الگوی مناسبات (سلطه، رقابت، نفوذ، تعامل) از شدت و ضعف برخوردار شود.

### ۶. نتیجه‌گیری و پیشنهادها

بررسی‌های علمی انجام شده نشان می‌دهند که الگوی روابط ژئوپلیتیک در حوزه انتخابیه ممسنی ابعاد مختلفی را در بر گرفته بدین معنا که الگوهای «تعاملی»، «رقابتی»، «سلطه» و «نفوذ» میان طوایف مختلف در جریان بوده است. با وجود این، سه طایفه قدرتمند بکش، جاوید و رستم در خلق این الگوها تأثیرگذار بوده‌اند. تکاپوی هر یک از این سازه‌های سیاسی - فضایی برای پیروزی در کارزار انتخابات زمینه شکل‌گیری و ساخت الگوهای متعددی شده است. در این چارچوب، طوایفی نظیر بکش و جاوید به دلیل استقرار در بخش مرکزی شهرستان ممسنی و برخورداری از مرز جغرافیایی مشترک بیشتر با دیگر طوایف، جمعیت و وسعت قابل توجه، بهره‌گیری از نیروهای پُرشور و هم‌داستان و تبلیغات انتخاباتی توانسته‌اند گُرسی‌های بیشتری را در ادوار مختلف انتخابات کسب کنند. از سوی دیگر طایفه رستم همواره در پی حصول به منزلت اجتماعی و سیاسی خود در عصر خوانین است؛ چراکه همیشه در ساختار ایلی - عشیره‌ای ممسنی حضور فعالی داشته است. از این‌رو، پیروزی این طایفه به معنای تقویت وزن ژئوپلیتیک خواهد بود. با وجود این، موانع جغرافیایی (فاصله از شهر نورآباد و نداشتن مرز مشترک با طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی) و ضعف اتحاد و انسجام درونی آن را درگیر چالش‌های بنیادی کرده است. این وضعیت به در پیش گرفتن الگوی تعاملی یا رقابت از سوی این طایفه انجامیده و امکان نفوذ یا سلطه بر دیگران را فروکاسته است. سرانجام، طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی نه تنها قادر به معرفی نامزد در انتخابات نیستند، بلکه توانایی سامان‌بخشی به خود را ندارند. در واقع، به دلیل مهاجرت ساکنان این طوایف به دیگر شهرستان‌ها امکان فعالیت در سپهر سیاست برایشان دشوار است. از این‌رو، اتحاد و یاری با دیگر طوایف را دستورکار قرار داده و به منطقه تحت نفوذ و سلطه دیگر طوایف تبدیل شده‌اند. یافته‌های پژوهش همچنین نشان‌دهنده نوع الگوی روابط ژئوپلیتیک است. از این روی، طایفه بکش به عنوان قدرت طراز اول توانسته است ضمن تعامل با طوایف رستم، دشمن‌زیاری و ماهور میلاتی، از سایر الگوها

نیز بهره‌مند شود. به این معنا که همجواری جغرافیایی با ماهور میلّاتی زمینه سلطه و سرمایه‌گذاری در قلمرو دشمن‌زیاری زمینه نفوذ شده است. با وجود این، طایفه بکش و جاوید صرفاً الگویی رقابتی در انتخابات دارند. از سوی دیگر، طایفه جاوید، تعامل با طایفه رستم و نفوذ در قلمرو دشمن‌زیاری و ماهور میلّاتی را در دستورکار قرار داده است. این در حالی است که طایفه رستم به دلیل فاصله جغرافیایی ناگزیر از الگوی تعاملی با طوایف دشمن‌زیاری و ماهور میلّاتی است و امکان نفوذ و سلطه برایش مقدور نیست. سرانجام، دو طایفه اخیر به دلیل برخورداری از آراء شناور، رابطه ژئوپلیتیک خاصی را میان خود تعریف نکرده‌اند. برآیند مطالعات صورت گرفته نشان داد، با توجه به ساخت طایفه‌ای حاکم بر حوزه انتخابیه ممسنی در زمان انتخابات، رقابت‌هایی با ماهیت ژئوپلیتیک بین طوایف موجود در حوزه انتخابیه ممسنی بر سر کسب قدرت سیاسی (کُرسی مجلس) شکل می‌گیرد. نوع و الگوی روابط ژئوپلیتیک بین طوایف متنوع و انواع «تعاملی»، «رقابتی»، «نفوذ» و «سلطه» را شامل می‌شود. تا جایی که گاه این نوع رقابت‌ها به تنش و درگیری‌های میان طایفه‌ای در حوزه انتخابیه ممسنی می‌انجامد. بنابراین با توجه به یافته‌های پژوهش، نگارندگان هفده راهکار بنیادین برای همگرایی بین طوایف در حوزه انتخابیه ممسنی ارائه می‌کنند:

۱. فراهم آوردن مزایای رفاهی برای تمامی ساکنان ممسنی و ایجاد توسعه متوازن و توزیع و تخصیص عادلانه (نه عامدانه) منابع بین طوایف بر بنیاد عدالت فضایی و جغرافیایی؛
۲. کاهش شکاف جغرافیایی و طایفه‌ای از رهگذر مشارکت فزاینده و همگانی افراد طوایف در فرایند مدیریت امور سیاسی - اداری شهرستان؛
۳. فراهم ساختن امکان طرح و اجرای قوانین محلی برای مشارکت همه اعضای جماعت طوایف در زمینه‌های سیاسی، فرهنگی - اجتماعی، اقتصادی، برای حفظ و دوام زندگی جمعی مبتی بر همیاری؛
۴. تکوین و گسترش سیستم حمل و نقل و شبکه ارتباطی کارآمد جهت تقویت مکانیسم حشر و نشر بین مردم طوایف و تحکیم وابستگی فضایی و سکونتگاهی قلمرو طوایف به یکدیگر و فراهم کردن تعامل و همکاری مکانی و طایفه‌ای؛

۵. ایجاد زیرساخت‌های گردشگری و ژئوتوریسم، جهت آشنایی مردم با فرهنگ و خرده فرهنگ‌های طوایف مختلف و تعامل اجتماعی بین آنها؛
۶. نفی جغرافیاگرایی در امر انتصابات؛ در بحث انتصابات الزاماً نباید تمام توجهات به هویت جغرافیایی افراد باشد؛ بلکه باید در کنار توجه به مکان زیست افراد و هویت طایفه‌ای آنها، اصل بنیادین شایسته سالاری و کارآمدی افراد در نظر گرفته شود؛
۷. شناسایی، تولید و توسعه اهداف و ارزش‌های مشترک محلی و طایفه‌ای؛ جهت تقویت روح تقریب و همگرایی بین طوایف؛
۸. تقویت و توسعه تلاش‌های فعالین صلح توسط موی‌سپیدان و مُعتمدین محلی و آبرودار و تسریع در حل و فصل اختلافات زیستگاهی و طایفه‌ای؛
۹. فراهم‌سازی شرایط و چهارچوب فضایی مساعد برای مشارکت سیاسی مردم در تمامی مکان‌ها و حوزه‌های جغرافیایی برای رأی‌گیری، نه فقط در قلمرو طایفه خودشان.
۱۰. آمایش سیاسی - فضایی مناسب و قانونی تعرفه‌ها و صندوق‌های رأی، بر بنیاد پارامترهای همسو با حوزه‌های رأی‌گیری جهت کاهش تنش و درگیری طایفه‌ای؛
۱۱. ایجاد مکانیسم و سازوکارهایی جهت فراهم‌سازی تعامل سازنده میان نواحی و مناطق جغرافیایی طوایف؛
۱۲. ایجاد نهادهایی محلی برای میانجی‌گری در حل و فصل نارضایتی میان طوایف؛
۱۳. ایجاد بناها و نمادهای محلی در مکان‌ها و فضاها، شهری و روستایی، جهت برانگیزاننده احساس ملی‌گرایی و سرزمین‌گرایی (نه طایفه‌گرایی و خویشاوندگرایی)، نظیر نصب اِلمان شخصیت‌های همگراساز نظیر محمد بهمن‌بیگی، سرهنگ تژده، محیط‌بانان شهید در میادین مرکزی)؛
۱۴. تأمین امنیت حوزه انتخابیه توسط مجریان برگزاری انتخابات، جهت جلوگیری از به هم

---

۱. بنیان‌گذار تعلیم و تربیت امور عشایر ایران (ممسنی‌ها از استاد محمد بهمن بیگی بخاطر خدمات علمی و فرهنگی که در راستای باسواد کردن فرزندان‌شان انجام داده بود به نیکی یاد می‌کنند).

۲. معمار فضایی ممسنی (ممسنی‌ها از سرهنگ تژده بخاطر متحول ساختن فضای جغرافیایی‌شان به واسطه خدمات عمرانی و شهرسازی که انجام داده بود به نیکی یاد می‌کنند).

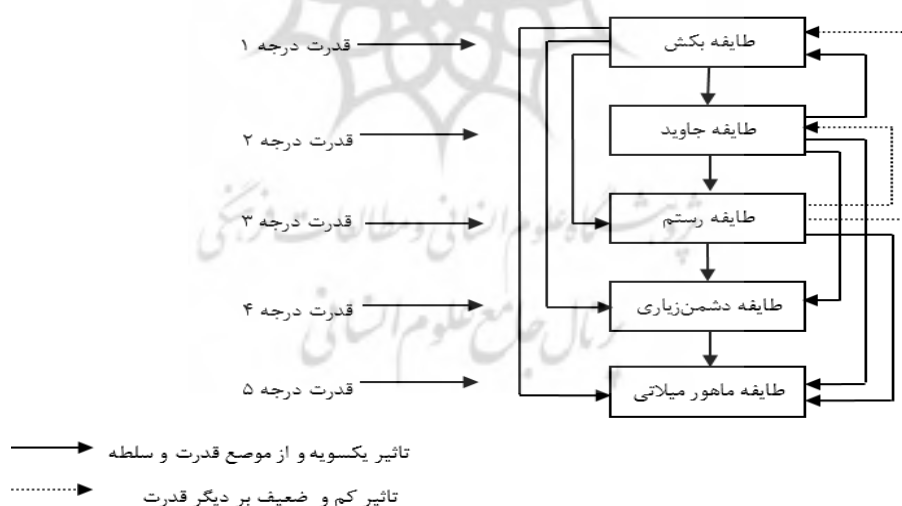
خوردن نظم حوزه‌ها و قُرُق یا فتح صندوق‌ها توسط نیروهای پُرشور رأی‌دهندگان؛

۱۵. شناسایی و فعال کردن عوامل و بسترهای همگراساز در فضای جغرافیایی ممسنی نظیر: آداب و رسوم مشترک، سنت‌های مشترک، فرهنگ سیاسی مشترک، فضای جغرافیایی مشترک، دین و مذهب مشترک، میراث باستانی مشترک، قومیت و نژاد مشترک و غیره؛

۱۶. همبستگی بخش‌های مختلف حوزه انتخابیه در چارچوب شبکه‌ای از رقابت‌های اجتماعی؛

۱۷. خلق نظامی از روابط اجتماعی و کارکردی توسعه‌یافته و یکپارچه و ایجاد برابری و حقوق-شهروندی یکسان و مشترک برای همه بخش‌ها و انسان‌های ساکن در فضای جغرافیایی ممسنی. بنابراین از دید نگارندگان با عملی کردن این تدابیر و راهکارها، می‌توان شاهد کاهش یا حذف الگوی روابط سخت بین طوایف باشیم که باید توجه دولتمردان محلی و منطقه‌ای (متولیان) را جلب کند، و گرنه با سطحی و غیرعلمی نگریستن به موضوع پژوهش (الگوی روابط طوایف)، در آینده از آن در جغرافیای سیاسی ممسنی بیشتر خواهیم شنید.

شکل (۱۵): مدل مفهومی سطح‌بندی قدرت در حوزه انتخابیه ممسنی



## ۷. قدردانی

نویسندگان مقاله حاضر بایسته می‌دانند از همه اشخاص حقیقی و حقوقی که با پشتیبانی معنوی و رهنمودهای خویش ما را در انجام پژوهش یاری کردند مراتب سپاس‌گزاری خود را اعلام کنند.

## References

1. Agnew, J. (1996). Democracy and human rights after cold war from: Geographies of global change: Edit by R,J,Johonston and others, PUB: Blaackwell.
2. Agnew, J., (1996). Democracy and human rights after cold war from: Geographies of global change: Edit by R,J,Johonston and others, PUB: Blaackwell.
3. Bashirieh, H., (2011). Political sociology: the role of social powers in political life, Ney press, Tehran. **[In Persian]**
4. Census results (2016). population and housing census for provinces and towns, Statistical Center of Iran, [www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir).
5. Darabi, A., (2009). Electoral behavior in Iran: patterns and theories, Soroush, Tehran. **[In Persian]**
6. Duncan, R et al. (2004). World politics in the 21th century . new York: pearson education inc.
7. Duncan, Raymond & others. (2004). World politics in the 21th century . new York: pearson education inc.
8. Estes, T., (2005). Where the Votes Are: The Electoral Geography of the Coming Democratic Majority; Oakland University, From: [www.beperss.com](http://www.beperss.com)
9. Estes, Todd,(2005). Where the Votes Are: The Electoral Geography of the Coming Democratic Majority; Oakland University, From: <http://www.beperss.com>
10. Ghaffari, M., Kaviani, B., (2011) Investigating the trend of Kurdistan citizens participation in presidency election 1997- 2005, Geopolitics Quarterly, Issue 7, No. 1. **[In Persian]**
11. Hafeznia, M R., (2017). Principles and concepts of geopolitics, revised new edition, Papli press, Mashhad. **[In Persian]**
12. Hafeznia, M R., Kavianirad, M., (2014). The philosophy of political geography, Research institute of strategic studies, Tehran. **[In Persian]**
13. Imani, M T., (1998). Electoral behavior and political participation of people in seventh period of presidency election of Islamic Republic of Iran, Bulletin of political- economic information, No 123-124.
14. Kavianirad, M. (2013). Election geography: emphasis on presidency election, Kharazmi press, Iran. **[In Persian]**
15. Kavianirad, M., Ghareh Beigi, M., (2017). Election geography: bases, concepts and approaches, Research institute of strategic studies, Tehran.
16. Kavianirad, M. (2015). New approach in redefining political geography, researches of human geography quarterly, Issue 47, No 3. **[In Persian]**
17. Kavianirad, M., Veisi, H.,(2007). Neighborhood effect on election in Iran, case study: ninth period of presidency election in Iran, Geopolitics Quarterly, Issue 4, No. 3. **[In Persian]**



18. Maghsoudi, M. (2006). Tribes electoral participation in Iran, case study: presidency election, National study quarterly, issue 7, No 4. **[In Persian]**
19. Mirahmadi, F S., Kavianirad, M., (2017). Explaining prominent approaches in election geography, Space political logistics quarterly, Issue 1, No 2. **[In Persian]**
20. Nell, P., Mcgowan, P J., (1999). Power, Wealth and Global order. South Africa: university of cape town press.
21. Nell, Philip & Mcgowan, Patrick J. (1999). Power, Wealth and Global order. South Africa: university of cape town press.
22. Patti, C., (2006). Electoral Geography for: Encyclopedia of Human geography, p2.
23. Patti, Charles (2006). Electoral Geography for: Encyclopedia of Human geography, p2.
24. Pishgahi Frard, z., Shoshtari, S M J., (2008). Geographical basis of the people vote origin in eighth period of parliament election of Islamic Republic of Iran, Geopolitics Quarterly, Issue 4, No. 2. **[In Persian]**
25. 2. Political- security identity, 2011, Mamasani county gubernatorial. **[In Persian]**
26. Roumina, E., Sadeghi, V., (2015). Investigating the effect of tribalism on voting pattern (case study: Mamasani county), Geopolitics Quarterly, Issue 11, No. 3. **[In Persian]**
27. Sadeghi, V., (2014). Investigating the effect of tribalism on voting pattern (case study: Mamasani county), MA thesis in political geography, political geography department, Tarbiat Modares University, Tehran. **[In Persian]**
28. The report of first and second periods of Islamic constituency election in Mamasani electoral district (2015 and 2016), Mamasani county gubernatorial.
29. The report of seventh, eighth and ninth periods of Islamic constituency election in Mamasani electoral district (2003, 2007 and 2011), Mamasani county gubernatorial.
30. Zarghani, S H., Razavi Nejad, M., (2016). Investigating and analyzing the spatial pattern of vote dispersion in eleventh period of presidency election, Geopolitics Quarterly, Issue 12, No. 2. **[In Persian]**